



تحلیل فقهی و حقوقی اجاره بر اساس واحد زمان

همایون مافی، رضا احمدی لمراسکی

مطالعه تطبیقی سیاست جنایی تقنینی ایران و انگلستان در قبال آزارگری عاطفی

بهروز جوانمرد، سحر فاطمی

جایگاه زنان در افغانستان از منظر حقوق بین الملل بشر

محسن مولائی فرد، هادی مسعودی فر

تحلیل شرایط اساسی تشکیل قرارداد در انعقاد قراردادهای الکترونیکی؛ مسئولیت‌ها و مجازات‌ها

زهرا انصاری فر، مریم کمائی

بررسی جبران هزینه‌ها و امکان درخواست قرار تأمین هزینه‌ها در تأمین مالی داوری بین المللی توسط شخص ثالث

محمد مهدی اسدی

امکان سنجی تعقیب کیفری و حقوقی مقامات حکومتی در نقض حق سلامتی شهروندان (با تأکید بر کروناویروس)

محمد سعید حسینی، محمد جواد جاوید

معاونت در جرم در حقوق آمریکا و ایران؛ مطالعه‌ای با تأکید بر ابزارگرایی کیفری

روح الله آهنگران

جایگاه عقل در استنباط احکام فقهی

علی کریمی، حسن صادقیان مشکانی، سید محمد حسین جزایری

واکاوی حقوق زندانیان با رویکردی بر نهادهای داخلی و بین المللی

سیده مهشید میری بالاچورشری، امیررضا محمودی

تأثیر قرارداد بیست ساله بر روابط دوجانبه میان ایران و روسیه در دولت سیزدهم

سید امین حسینی، احمد شوهانی، ایرج مروتی

ارتقای حقوق فرهنگی در پرتو دین اسلام و نظام حقوقی ایران

علیرضا انصاری مهبیاری، زهرا سادات حسینی

جرایم ثبتی اسناد و املاک در حقوق کیفری ایران

امیر اسماعیلی، نوید معتمدآریا، فاطمه نظرپور

معیار تفکیک شکنجه از سایر رفتارهای غیرانسانی

ماهان قربانی پس‌ویشه

استثنائات اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات در برابر دارنده با حسن نیت

سارا فرزادی مهر، شاپور محمد حسینی، محمدرضا حقیقی

سندرم زن کتک خورده و دفاع مشروع: اختلافی قانونی و تجربی

مریم فرحی

آثار ضمانت حسن انجام تعهد در حقوق ایران

اصلان علیزاده



Promotion of Cultural Rights in the Light of Islamic Religion and Iran's Legal System

ارتقای حقوق فرهنگی در پرتو دین اسلام و نظام حقوقی ایران

Alireza Ansari Mahyari

Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran (Corresponding Author)

علیرضا انصاری مهباری
استادیار گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
(نویسنده مسئول)
alimahyari63@gmail.com

Zahra Sadat Hosseini

PhD student of International Law, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

زهرا سادات حسینی
دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
Zahra.hosseini00@yahoo.com

Abstract



Cultural rights, as the second generation of human rights, have always been an important subject in domestic legal systems and international law, to the extent that they have been highlighted and given attention in domestic laws and international documents. The extensive and diverse nature of cultural rights has prompted governments to regulate necessary laws and regulations based on the cultural identity of their society and to assist in its preservation and promotion. Despite the existing challenges, the Islamic Republic of Iran has always endeavored to enhance cultural rights. In this research, The promotion of cultural rights within the Islamic Republic of Iran using the descriptive- analytical method is examined. The findings of this study indicate that substantial efforts have been made in Iran to promote cultural rights, and the accomplishments resulting from these efforts have contributed to the advancement of cultural rights in the fields of education, attention to the country's religious culture, and the realization of the slogans of the Islamic Revolution and more.

Keywords: Culture, Cultural Rights, Iran, International Documents, Human Rights.

چکیده

حقوق فرهنگی به‌عنوان نسل دوم حقوق بشر همواره از مباحث مهم حقوق داخلی کشورها و نیز حقوق بین‌الملل بوده است به‌طوری‌که قوانین داخلی و نیز اسناد بین‌المللی این حقوق را مورد تأکید و توجه قرار داده‌اند. حقوق فرهنگی به دلیل گستردگی و تنوع‌پذیری بسیار زیاد دولت‌ها را بر آن واداشته است که بر پایه هویت فرهنگی جامعه خود، قوانین و مقررات لازم را در راستای آن تنظیم نموده و بر حفظ و ارتقای آن کمک نمایند. با وجود چالش‌های موجود، کشور جمهوری اسلامی ایران همواره سعی بر ارتقای حقوق فرهنگی داشته است. در این پژوهش نگارندگان با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی به بررسی نحوه ارتقای حقوق فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌پردازند. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که در ایران تلاش‌های زیادی جهت ارتقای حقوق فرهنگی شده است و دستاوردهای حاصل از این تلاش‌ها موجب ارتقای حقوق فرهنگی در حوزه آموزش، توجه به فرهنگ دینی کشور، تحقق شعارهای انقلاب اسلامی و... شده است.

واژگان کلیدی: فرهنگ، حقوق فرهنگی، ایران، اسناد بین‌المللی، حقوق بشر.

<p>ارجاع: انصاری مهباری، علیرضا؛ حسینی، زهرا سادات؛ (۱۴۰۳)، ارتقای حقوق فرهنگی در پرتو دین اسلام و نظام حقوقی ایران، تمدن حقوقی، شماره ۱۹.</p>
<p>Copyrights: Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.</p> <div style="text-align: center;">  <p>CC BY NC SA</p> </div>


مقدمه

حقوق فرهنگی شامل یک طیف گسترده از حقوق انسانی بوده که بسیاری از حقوق و آزادی‌های فردی در مجموعه حقوق فرهنگی قرار داشته و برای محقق شدن آن‌ها به وجود حقوق فرهنگی نیاز است. بسیاری از مصادیق حقوق فرهنگی مانند احترام به عقائد دیگران، حق بر آموزش و علم آموزی و... به منزله اساس و پایه‌های بهره‌مندشدن از دیگر موارد حقوق بشری محسوب می‌گردند (بذرافشان، ۱۴۰۰، ص ۱۳). وجود استقلال فرهنگی در هر جامعه سبب حفظ فرهنگ و ارزش‌های آن جامعه از تهاجم فرهنگی بیگانگان می‌باشد. به بیانی دیگر، عدم وابسته‌بودن در حوزه‌های فکری و ارزشی به کشورهای بیگانه به صورتی که هر کشوری قادر باشد تا با افکار و تمایلات و خصوصیات فکری خود زندگی نماید (صفری نیا، ۱۳۹۵، ۱۰۱).

متأسفانه با وجود اهمیت بسیار حقوق فرهنگی در تمامی جوامع، در این زمینه چالش‌های متعددی وجود دارد که محل اجرای و ارتقای این حقوق هستند، از جمله این چالش‌ها عدم وجود هماهنگی در بین سازوکارهای مختلف در نظام بین‌المللی حقوق بشر می‌باشد که از علل مهم و عمده در زمینه عدم اجرای حقوق فرهنگی است، علت دیگر غفلت نمودن و بی‌توجهی به این حقوق در سیاست‌های داخلی و بین‌المللی کشورها می‌باشد (سعادت، ۱۳۸۹، ۱۶). با این حال دولت‌ها همواره سعی بر ارتقای حقوق فرهنگی داشته‌اند از جمله دولت ایران که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش‌های مستمری در این زمینه داشته است.

پرسش اصلی که در این پژوهش مطرح است این است که با وجود چالش‌ها و موانع در زمینه ارتقای حقوق فرهنگی، تلاش‌های ایران چه دستاوردهایی به همراه داشته‌است؟ در پاسخی کوتاه به عنوان فرضیه می‌توان بیان نمود که ایران در ارتقای حقوق فرهنگی در حوزه آموزش، توجه به فرهنگ دینی کشور، تحقق شعارهای انقلاب اسلامی، فرهنگ عفاف و حجاب دستاوردهای چشمگیری داشته‌است.

۱- تعریف فرهنگ و حقوق فرهنگی

در زمینه تعریف فرهنگ، باید عنوان نمود که فرهنگ در لغت، به معنی خرد و ادب بوده، اما در اصطلاح، به معنی مجموعه‌ای از آثار علمی یک ملت، ادبا، نویسندگان، دانشمندان و آثار کهن تاریخی و میراث فرهنگی یک کشور می‌باشد (بذرافشان، ۱۴۰۰، ۱۴). مقوله حقوق فرهنگی عبارت است از مجموعه‌ای از قوانین و مقررات و آئین‌نامه‌های اجرائی و بخشنامه‌ها که از مرجع‌های ذیصلاح ابلاغ گردیده و هدف از آن‌ها، اجرای عدالت و نظم در جامعه و نیز احقاق حقوق می‌باشد (حسن حسن، ۱۴۰۱، ۱۰). در مجموع می‌توان عنوان نمود که حقوق فرهنگی مجموعه‌ای از مقررات و آئین‌نامه‌های اجرائی و توافق‌نامه‌هایی می‌باشد که هدف نهایی آن‌ها، حفظ و اشاعه ادب علمی، آثار نویسندگان، دانشمندان و محصولات فرهنگی است.

۲- حقوق فرهنگی در پرتو دین اسلام

در آموزه‌های دین مبین اسلام مکرراً به جنبه‌هایی از فرهنگ، حقوق فرهنگی و احترام و اهمیت به آن اشاره شده است. در بین آیات قرآن کریم و سخنان پیامبر اسلام (ص) به موارد بسیاری از این دست بر می‌خوریم. به بیان دیگر می‌توان گفت که قسمت فرهنگی اسلام، مهم‌ترین و اساسی‌ترین قسمت اسلام است (غمی کله لو، ۱۳۹۵، ۹۵). تصادفی نیست که وحی الهی بر پیغمبر اسلام (ص) با این آیات شروع شده است: «بخوان به نام پروردگارت که آفرید... انسان را از علق آفرید... بخوان که خدای تو بهترین کریمان است... (خاتمی، ۱۳۸۴، ۱۷۹). امام علی (ع) نیز در نهج البلاغه پیرامون توسعه فرهنگ و علم آموزی بیاناتی دارند که به مواردی از آن‌ها در اینجا اشاره می‌شود.^۱ دو گرسنه سیر نمی‌شوند: جوینده علم و جوینده مال.^۲ هرگاه خداوند بخواهد بنده‌ای را خوار کند، دانش را از وی دور می‌سازد.^۳ امام علی (ع)

۱- حکمت ۳۷۲ نهج البلاغه.

۲- حکمت ۴۵۷ نهج البلاغه.

در حکمت نودوششم نهج البلاغه در ضرورت ترویج علم آموزی می‌فرماید: نزدیک‌ترین مردم به پیامبران، داناترین آنان است به آنچه که آورده‌اند. در اینجا با یاد کردن نام پیامبران و آگاهی از آنچه آنان آورده‌اند، گامی اساسی در راه شناخت و گسترش فرهنگ آن‌ها برداشته‌اند (آل‌عبود، ۱۴۰۰، ۱۰۵).

یکی دیگر از مصادیق حقوق فرهنگی حمایت از منافع مادی و معنوی به دست آمده از هر گونه اثر علمی، ادبی یا هنری است. نمونه‌ای از سیاست امام علی (ع) در این رابطه را می‌توان در نامه پنجاه و سوم نهج البلاغه دید. حضرت امام علی (ع) در این بیان خود با اشاره به ضرورت حفظ امانت در کار نویسندگی از وجود خطراتی که در صورت عدم رعایت آن ممکن است پیش آید صحبت کرده است که این به نوعی حمایت معنوی از آثار نویسندگان را شامل می‌شود (رازنهان، ۱۳۸۸، ۸۷). همچنین توجهی که امام در قید «به نقل از پیغمبر» و یا سیره پیامبر چنین بود یا «این مطلب در قرآن چنین آمده است» که در صحبت‌های امام علی (ع) در نهج البلاغه بسیار دیده می‌شود. مواردی از این دست در سخنان سایر ائمه نیز به کرات به چشم می‌خورد (طاهری حاجی وند و جمالی، ۱۳۹۵، ۶۷).

در کلام امام خمینی (ره) به‌عنوان یکی از اندیشمندان معاصر دینی، موارد زیادی از توجه به فرهنگ و حقوق فرهنگی وجود دارد. حضرت امام خمینی (ره) مفهوم فرهنگ را با تصریح بیشتر چنین بیان می‌فرماید: «بی شک بالاترین و مهم‌ترین عنصر دخیل در موجودیت هر جامعه، فرهنگ آن می‌باشد، اساساً مقوله فرهنگ در هر جامعه، هویت و موجودیت آن جامعه را ایجاد می‌نماید؛ فرهنگ پایه و اساس ملت است، اساس ملیت و استقلال یک ملت است».

۲-۱- رابطه دین اسلام و فرهنگ

تعریف‌های دین و فرهنگ با رویکردهای مصداق‌گرایی بیان می‌کند که نسبت بین فرهنگ و دین، نسبتی به صورت کل و جزء می‌باشد، فرهنگ به صورت کل بوده و دین به صورت جزء و اگر در این قیاس، دین مبین اسلام را در نظر داشته، باز نیز بین دین مبین اسلام و فرهنگ، نسبتی کل و جزء وجود خواهد داشت. بر طبق برخی از تعریف‌های دین، دین یک عنصر از عنصرهای فرهنگ بوده و روابط بین انسانی و ماوراء را پوشش داده و در این بین، بعضی از حوزه‌های فرهنگی به هیچ وجه در شمار مصداق‌های دین قرار نگرفته و اگر عده‌ای آن‌ها را در زمره دین قرار دهند، افراد دیگر در آن، اما و اگرهایی بسیار مطرح

خواهند نمود. تفاوت دیگر این است که دین اسلام و فرهنگ از مباحث الهی و دینی و قدسی می‌باشد و اشخاصی مصداق گرا بر الهی بودن و دینی بودن آن تأکیدات فراوان کرده‌اند، اما مقوله فرهنگ نشأت گرفته و برگرفته از بطن جامعه بوده و شخص در ایجاد و ساختن آن دخیل نیست (آبر کرامبی، ۱۳۹۵، ۴۴). در همین زمینه، افراد و اشخاصی که مبحث دین را به صورت کلی و اجمالی و دین اسلام را به یک صورت خاص، مولود و نتیجه و محصول فرهنگ بیان می‌کنند، از این تفاوت‌ها و ویژگی‌های اساسی و مهم و اثرگذار غافل بوده و بدون دلیل مبحث دین را به‌عنوان یک موضوع و امر الهی، محصول و نتیجه یک امر انسانی و بشری و در عین حال گروهی و جمعی می‌شناسند. با فرض نمودن نسبت جزئی بودن، کلی بودن، خدایی و الهی بودن دین مبین اسلام و بشری بودن مقوله و مبحث فرهنگ، دین مبین اسلام بسیار زیاد به فرهنگ کمک نموده و در بعضی از عنصرهای فرهنگی، اصلاحات اساسی و عمیق را انجام داده و شماری دیگر را پیرایش و پالایش می‌نماید و در برخی از زمینه‌ها، فرهنگ‌سازی نموده و به مخاطبین خود، عنصرهایی جدید را از فرهنگ ارائه می‌دهد (توسلی، ۱۳۹۹، ۶۷). به‌عنوان نمونه، اعراب در صدر اسلام، دارای فرهنگی خاص در زمینه برخورد با اعضای خانواده داشتند (پالمرو، ۱۳۹۰، ۴۱). فرهنگ نیز اثرات خاص خود را بر دین اسلام گذاشته و بسیاری از عنصرهای فرهنگی، رنگ و بوی دینی به خود گرفته است؛ بر همین اساس، فرهنگ از یک جهت به‌عنوان مکملی برای فرجه دین بوده و از جهتی دیگر، به افراد دیندار در زمینه برداشت و فهم صحیح از دین یاری می‌رساند و آن‌ها را به فهم بهینه دین رهنمود می‌گردد.

۲-۲- کارکرد دین و فرهنگ

برخی از صاحب نظران، رویکردی به صورت کارکردگرایانه نسبت به تعریف ارائه شده از مقوله فرهنگ دارند، به‌عنوان مثال بعضی از افراد اندیشمند بیان کرده‌اند که «مبحث و مقوله فرهنگ یک سازوکار مغزی، مکانیکی، فنی و اخلاقی بوده که با به کار گرفتن آن در یک دوره خاص به مقاصد مشخص دست یابند. در فرهنگ اسبابی وجود دارد که انسان‌ها به کمک آن‌ها، به اهداف اجتماعی و فردی خود می‌رسند» (آرون، ۱۳۹۰، ۷۴). مبحث فرهنگ نیز در رویکردهای کارکردگرایانه و نظام‌گرایانه، اسباب رسیدن به مقاصد و اهداف فردی و اجتماعی، ارائه دادن نقشه راه و روش‌های زندگی و سبب‌های تطبیق یافتن افراد با محیط‌های طبیعی و نیازهای اقتصادی موجود می‌باشد (فیاض، ۱۳۹۰، ۴۱).

کارکردهای هر کدام از مقوله‌های دین و فرهنگ بیان می‌کند که ارتباط بین فرهنگ و دین، یک رابطه کل و جزء می‌باشد؛ فرهنگ کل بوده و دین جزء می‌باشد؛ دین همان اجتماع می‌باشد و تمامی کارکردهای آن دارای ابعاد و جنبه‌های عمومی و اجتماعی می‌باشند، اما ویژگی‌ها و کارکردهای مقوله فرهنگ تنها در ابعاد اجتماعی خلاصه نشده و حاکم بر زندگی شخصی و فردی نیز بوده و مضاف بر این موارد، فرهنگ برخلاف مقوله‌های دین، راه و روشی برای زندگی است. بر همین پایه و اساس، مقوله دین تنها ناظر بر زندگی اجتماعی انسان‌ها بوده و تنها قسمت‌ها و بخش‌هایی از مقوله فرهنگ را پوشش داده و در همان قسمت‌ها و بخش‌ها، نظرات و حرف‌هایی را نه در ابعاد مقوله فرهنگ داشته، اما قدرت تأثیرپذیری بر هدف‌ها و مقاصد شخصی و فردی نداشته و قادر نیست در این زمینه‌ها، صحبت و حرفی برای عرضه و ارائه نمودن به طرفدارهای خویش داشته باشند. در جهت و نقطه مقابل، مبحث فرهنگ از این زمینه و جهت که زندگی شخصی و اجتماعی را تحت پوشش خود داده و در زمینه خدمت‌رسانی به افراد و انسان‌ها در زمینه رسیدن آنان به هدف‌های اجتماعی و فردی، نظر و حرفی برای گفتن و ارائه نمودن دارد، اثرها و کارکردهای زیادی بر مقوله دین دارند، به صورتی که بعضی از ویژگی‌ها و عنصرهای فرهنگی، رنگ و بوی عرفانی و دینی به خود گرفته و قبول و پذیرش افراد دینداران را با خود داشته و از تأیید نمودن دین بهره‌مند می‌شود (بهرامی، ۱۳۸۷، ۴۸).

مضاف بر این مباحث و موارد، مقوله فرهنگ با تمامی بعدها گسترده خویش، دارای این ویژگی و توانایی هست که بازسازی نمودن، پالایش کردن مبحث دین را در نتیجه داشته و گروه و شماری از عنصرهای فرهنگی مانند پیشرفت نمودن انسان‌ها، گسترش یافتن دامنه شناخت انسان‌ها و بازگشتن به خویش، مبحث دین را از گردونه اجتماع بیرون نماید، به این علت بر طبق نظر و دیدگاه کارکردگرایانه، مبحث دین در خدمت فرهنگ بوده و اگر مبحث فرهنگ به حد و درجه‌ای از رشد نمودن و کمال یابی برسد، در این صورت به وجود مقوله دین نیاز و احتیاجی ندارد.

۲-۳- دین اسلام و ارتقای حقوق فرهنگی

دین برنامه‌ای برای زندگی انسان می‌باشد، اما این موضوع بدان معنی نمی‌باشد، که با دخالت نمودن در جزئیات از جولان دادن و میدان یافتن خرده‌های انسانی ممانعت و عرصه را بر آن تنگ و دشوار نماید، بلکه دین برنامه‌ای کلان برای زندگی بوده که به مانند یک قانون اساسی به ارائه نمودن رهنمودهایی به

مثابه سرمشق در تمامی حوزه‌های نیاز انسان‌ها می‌پردازد که این حوزه متعلق به شارع بوده و از آن به بعد، مربوط به شخص شارح دین، پیغمبر در مقام مسئولیت دوم خود و افراد جانشین او و علمای دینی می‌باشد که ریز احتیاجات و نیازمندی‌های بشر را در ابعاد راهبردی از سرمشق‌های موجود، تخریج و کشف کنند (نوریان، ۱۳۹۵، ۲۵). توصیه‌ها و رهنمودهایی به مثابه سرمشق، بن‌مایه‌هایی به صورت هدایتی، تعلیمی و تربیتی بوده و زمانی که در تفسیرگاه شارح مقدس و شارحان بزرگوار دینی قرار گرفته و به فرایندسازی مبادرت می‌نمایند، از آنان، آموزه‌هایی معنوی و اخلاقی در ابعاد و زمینه‌های گوناگون مانند ابعاد اجتماعی، انسانی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... به بار نشسته و در مجموع، خود یک فرهنگ دینی ویژه ایجاد می‌نمایند (باقرپور، ۱۳۹۳، ۳۵).

ابعاد فرهنگی دارای سه بخش مختلف می‌باشد، خارج از فضای جامعه، داخل در فضای جامعه و خود فرد. در زوایای خارجی، آنچه به توسعه یافتن در بخش فرهنگی بسیار کمک کرده، دریافت نمودن تجارب و عبرت گرفتن از تمدن‌های پیشین و حاضر می‌باشد. قرآن کریم در ارتباط با این موضوع، مسلمین را به سیر و سیاحت کردن توصیه نموده است. در زوایای داخلی موضوع ارتباط بین انسان‌ها با همدیگر و چنانکه در فرهنگ اسلامی از آن یاد شده، حسن معاشرت، دارای یک اهمیت فوق‌العاده بوده که بیان‌کننده توسعه‌یافتگی بوده و به آن کمک مؤثر نیز می‌نماید. وجود الفت و موانست اشخاص به پیوستگی و قوت داخلی اجتماع و توانایی‌های گروهی و جمعی جهت حل نمودن پیچیده‌ترین و سخت‌ترین معضله‌ها و مشکل‌ها کمک نموده است^۴ (محمدخان، ۱۳۸۳، ۷۴). بر طبق این آموزه‌های دینی می‌باشد که شارع مقدس و شارحین بزرگوار دینی به بیان نمودن بعدهای مختلف، کیفیات و زاویه‌های پیوند و الفت بین مسلمین مبادرت نموده و آن‌ها را روشن نموده‌اند، به اندازه‌ای که در قسمت فرهنگ‌های ارتباطی، کمبود و نقصی در زمینه تعلیم‌های اخلاقی دین مبین اسلام دیده نمی‌شود.

۳- حقوق فرهنگی در نظام حقوقی ایران

همچنان که حقوق فرهنگی در اسناد بین‌المللی^۵ مورد توجه کشورها واقع شده است، در اسناد داخلی نیز

۴- واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا و اذکروا نعمت الله علیکم اذکنتم اعداء فالف بین قلوبکم (سوره مبارکه آل عمران، آیه شریفه ۱۰۳).

۵- در اسناد بین‌المللی متعددی نیز به حقوق فرهنگی اشاره شده است. بیانیه یونسکو، از جمله اسنادی است که به حقوق فرهنگی پرداخته است (نظرزاده، ۱۳۹۱، ۴۰). مطابق با ماده اول این بیانیه، تنوع فرهنگی میراث مشترک انسان است و

همواره جلوه‌هایی از توجه به این اصول مشاهده می‌شود. از جمله قوانین داخلی کشور ایران که شامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوانین عادی و اسناد چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه می‌باشد. در این مبحث به بررسی حقوق فرهنگی در نظام حقوقی ایران پرداخته می‌شود.

۳-۱- حقوق فرهنگی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که براساس اصول و ضوابط اسلامی شکل گرفته، مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران می‌باشد. این قانون از فرهنگ خاص خودمان الهام گرفته و سراسر اسلامی-ایرانی بوده و نخستین سنگ بنای آینده فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشورمان می‌باشد (رازی، ۱۳۹۶، ۱۸). قانون اساسی به‌عنوان میثاق مردم و حکومت دربردارنده آمل، آرمان‌ها و حقوق شناخته شده، تکالیف و وظایف متقابل مردم و حکومت در جهت تحقق آن هاست (اسمعیلی زاده، ۱۳۹۳، ۶۷).

بنابراین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به بحث حقوق فرهنگی نیز پرداخته شده است، اما لازم به ذکر است در اصول اختصاصی جزئیات حقوق فرهنگی به طور آشکار مورد بحث قرار نگرفته، ولی در اصول پراکنده قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان جلوه‌هایی از این حقوق را مشاهده نمود. مطابق با آنچه که در اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است کلیه قوانین مقررات اعم از فرهنگی، نظامی، سیاسی و... باید منطبق بر موازین اسلامی باشد (علی‌کرمی و ولایی، ۱۳۹۹، ۵۱). در اصول پراکنده قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌توان جلوه‌هایی از این حقوق را مشاهده نمود؛ به‌عنوان مثال اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به حق آزادی بیان، آزادی مذهب، دسترسی آسان و راحت همگان در همه سطوح به خدمات

حقوق فرهنگی همچون سایر حقوق برای بشر لازم و ضروری است (صلاتی، ۱۳۹۴، ۱۱۴). از دستاوردهای یونسکو در قلمرو فرهنگی، انعقاد کنوانسیون مربوط به «حفظ فرهنگ‌های ناملموس» از قبیل سنت‌ها و آداب و رسوم می‌باشد (رازنهان، ۱۳۸۶، ۷۹). یونسکو به‌عنوان یک سازمان بین‌الدولی علاوه بر آموزش، کاهش بی‌سوادی، کمک به رشد آموزش پایه برای همگان، کمک به آموزش و پرورش معلمان و مدیران و رفع عدم تعادل در تقسیم جهانی نیروی کار علمی و فنی به طور مشخص در چهار قلمرو فعالیت می‌نماید که عبارتند از: علوم طبیعی، علوم اجتماعی و انسانی، فرهنگ و ارتباطات (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۷، ۹۹). از اسناد دیگر می‌توان به اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کنوانسیون منع تبعیض نژادی و... اشاره نمود (فضائلی و کرمی، ۱۳۹۹، ۵۲).

آموزش و پرورش و تربیت بدنی، حق استفاده نمودن قوم‌های مختلف ساکن ایران از زبان‌های قومی و محلی در رسانه‌ها، گسترش آموزش‌های دانشگاهی به طور رایگان با رعایت امکانات و... پرداخته است که به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

آزادی مذهب یکی از اشکال آزادی عقیده و به طور کلی آزادی فکر است (شرف الدین، ۱۴۰۰، ۱۰۵)؛ از این رو، اعلام آزادی مذهب برای فرد متضمن دو آزادی است که به شرح زیر می‌باشند: آزادی داشتن یا پذیرفتن یک مذهب، یعنی این که فرد قادر باشد و بتواند به صورت آزادانه و به طور هویدا و آشکار و یا در خفا و پنهانی، اعتقادات مذهبی خویش را از طریق بیان نمودن یا نوشتن بیان و ابراز نموده و هیچکس مانع آزادی وی نگردد (حیب زاده، ۱۳۸۳، ۱۰۵). ابراز مذهب از راه گفتار و نوشتار مادام که محل نظم عمومی نشود آزاد خواهد بود، در اصول دوازدهم و سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به موضوع مذهب پرداخته شده است. به موجب این اصول، پیروان مذاهب و اقلیت‌های دینی برشمرده شده دارای احترام کامل بوده و در انجام مراسم مذهبی خود آزادند.

از دیگر مصادیق حقوق فرهنگی، احترام به عقائد دیگران است. به موجب اصل بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «نفتیش نمودن عقائد ممنوع بوده و هیچکس را نمی‌توان به دلیل داشتن عقیده‌ای مؤاخذه نمود». ابراز عقیده در صورتی قابل مجازات خواهد بود که باعث از بین رفتن نظم، امنیت یا اخلاق حسنه جامعه شود یا برای حقوق و آزادی‌های دیگران مزاحمت ایجاد کند (صداقت نیا، ۱۳۹۳، ۳۸). دولت در مواجهه با احترام به آزادی از یک سری تکالیفی برخوردار است، از جمله این که دولت مکلف به احترام به عقائد و افکار اشخاص است و نباید به علت تفاوت در عقائد بین آن‌ها قائل به تبعیض شود، همچنین باید در راستای احترام گذاشتن افراد به عقائد یکدیگر تلاش و کوشش کند. در اکثر کشورها از جمله ایران، هیچ کس را نمی‌توان به علت داشتن عقیده‌ای خاص مورد مجازات قرار داد، مگر آن که در خصوص آن در قانون آن کشور جرم انگاری شده باشد؛ بنابراین می‌توان گفت که جرم عقیده‌ای وجود ندارد (پهلوان، ۱۳۹۰، ۶۵). ماده ۱۵ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ می‌گوید: «هر کس به وسیله مطبوعات از جرائم یا مرتکبین آن اعمال به نحوی از انحاء تقدیر و تمجید کند، به جریمه نقدی محکوم خواهد شد» (فضائلی و کرمی، ۱۳۹۴، ۲۲).

در اصل سی ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت متعهد شده است تا خدمات مربوط به آموزش و پرورش را به این علت که همگان در هر جامعه‌ای به حداقل دانش که از طریق آموزش ابتدایی

تا متوسطه کسب می‌شود، برای گذراندن زندگی فردی و اجتماعی خود نیاز دارند را فراهم نماید (توسلی، ۱۳۷۳، ۱۵). بر همین اساس، تسهیل و تعمیم آموزش عالی در اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفته است و اصل سی ام قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت را متعهد می‌کند که برای خودکفایی به گسترش وسایل تحصیلات عالی مبادرت ورزند، بنابراین آموزش عالی برای همه افراد ملت ضروری نیست، بلکه برای رسیدن به سرحد خودکفایی، نیاز است که دولت‌ها تلاش کنند تا بتوانند به این خودکفایی برسند.

۳-۲- حقوق فرهنگی در سایر قوانین ایران

حقوق فرهنگی، علاوه بر این که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شده است، در سایر قوانین از جمله قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، قوانین حمایتی و... نیز بیان شده است. در قانون مدنی، هر چند که این قانون به تنظیم روابط و قوانین اشخاص با یکدیگر می‌پردازد اما در برخی از مواد به صورت ضمنی و غیرمستقیم به حقوق فرهنگی نیز اشاره شده است (عبدالهی، ۱۳۹۳، ۳۲). به طور مثال، در ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی به مرد این اجازه داده شده است که از اشتغال زن که مغایر با شان، شخصیت و حیثیت خود یا زن می‌باشد جلوگیری کند. در خصوص این که چه حرفه یا شغلی مغایر با شان زن می‌باشد، متناسب با فرهنگ جامعه مشخص می‌شود و به این صورت می‌توان گفت که در این ماده به حقوق فرهنگی اشاره شده است.

علاوه بر قانون مدنی، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز به حقوق فرهنگی اشاره شده است (نقیب زاده، ۱۳۹۳، ۵۴). مثلاً در ماده ۸۸، زمانی که بزهکار، کودک یا نوجوان است، مجازات آن کودک یا نوجوان را فعالیت در مراکز فرهنگی و آموزشی در نظر می‌گیرند. علاوه بر این، در قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، در خصوص عفاف و حجاب که مؤلفه مهمی از حقوق فرهنگی در جامعه می‌باشد، جرم‌انگاری صورت گرفته و مرتکبین را به مجازات مقرر در این قانون محکوم می‌نماید.

در قوانین حمایتی نیز از حقوق فرهنگی سخن گفته شده است. در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ و همچنین قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست مصوب ۱۳۷۱، به صورت غیرمستقیم به حقوق فرهنگی اشاره شده است (طجرلو، ۱۳۹۳، ۲۲). از

آنجایی که زنان و کودکان در جامعه شان و شخصیت ویژه‌ای دارند و به علت از بین بردن فقر در جامعه و به منظور اجرای اصل بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بیان می‌دارد «دولت متعهد می‌شود حقوق زن در تمامی جهات را با رعایت موازین اسلامی تضمین و در این راستا، اقداماتی را از جمله؛ حمایت از مادران به خصوص در زمان بارداری و حضانت فرزند، ایجاد بستر مناسب با شخصیت زن برای رشد و احیای حقوق معنوی و مادی و... انجام دهد (نوروزی، ۱۳۹۵، ۳۹). در ماده چهارم قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست مصوب ۱۳۷۱، حمایت‌های مختلفی برای افراد در نظر گرفته شده است که حمایت‌های فرهنگی نیز شامل آن می‌شود. حمایت‌های فرهنگی گفته شده در این ماده، مواردی همچون ارائه خدمات آموزشی، تربیتی، ایجاد اشتغال، خدمات مشاوره‌ای، مددکاری و... می‌باشند که به انجام این اقدامات علاوه بر ایجاد آسایش و امنیت برای این افراد، به گسترش فرهنگ جامعه نیز کمک می‌کند.

۴- جایگاه حقوق فرهنگی در برنامه‌های توسعه ملی

اغلب الگوهای توسعه، به‌ویژه در کشور ایران، با محوریت اقتصاد تدوین می‌شود؛ در نتیجه، احساس نیاز به ارزیابی نقش فرهنگ در الگوی توسعه و درک ضرورت ایجاد تفاهم و انگیزش ملی، به منزله یک احساس جمعی و مورد پذیرش همه دست‌اندرکاران برنامه توسعه نبوده و این در حالی است که «توسعه ملی» فرایندی بسیار پیچیده، فراگیر و پویا است که در مجموعه‌ای از روابط متقابل، فرایند توسعه و ابعاد زندگی بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند (جعفری، ۱۳۹۶، ۶۵).

یکی از اسناد چشم‌انداز، سند چشم‌انداز ملی ۱۴۰۴ می‌باشد. همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و سال‌های نخست پس از آن، اولین سند چشم‌انداز نانوشته کشور که منطبق بر استقرار جمهوری اسلامی ایران و تثبیت آن بود و به دست معمار اصلی انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره)، طراحی و به اجرا گذاشته شد و با رویکرد طراحی فردی و غیررسمی و با تکیه بر ظرفیت‌های رهبری کارزماتیک، تدوین گردید (قربانی، ۱۳۹۸، ۳۶).

بین مدیران عالی نظام در خصوص تدوین سند چشم‌انداز، در بعدها و بخش‌های مختلف و متنوع مانند ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی اجماعی شکل گرفته و در نهایت، این موضوع با هدایت نمودن و راهبری حکیمانه مقام معظم رهبری و از طریق مشارکت داشتن سازمان مدیریت و برنامه ریزی،

هیأت دولت، مجمع تشخیص مصلحت نظام، افراد صاحب‌نظر و مرکزهای تحقیقاتی و دانشگاه‌ها، با عنوان چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ با وجود مانع‌ها و چالش‌های متنوع و بسیاری که این سند داشته است، با محقق شدن رکن‌های اصلی چشم‌انداز به منصفه ظهور رسید. بنابراین، گرچه سابقه تدوین نمودن و ابلاغ نمودن رسمی چشم‌انداز کشور ایران به سال ۱۳۸۲ بر می‌گردد، اما در واقع، می‌توان چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق سال ۱۴۰۴ را سند دوم چشم‌انداز کشور که با رویکردی گروهی و جمعی و مشارکت ملی تدوین شده و به تأیید مرجع‌های ذیصلاح و نهایتاً، تصویب مقام معظم رهبری رسید، دانست (خندان، ۱۳۸۹، ۶۸).

شاید بتوان گفت جامعه فاقد چشم‌انداز، جامعه‌ای فاقد برنامه برای آینده است؛ بر این اساس، وجود چشم‌انداز در جامعه‌ای که خواهان رشد و تکامل می‌باشد اولین و مهم‌ترین عامل در رسیدن به وضع مطلوب و جایگاه ممتاز در سطوح مختلف می‌باشد (انگارده، ۱۳۹۴، ۶۷). سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران هم از این حقیقت به دور و منفک نیست (افروغ، ۱۳۹۳، ۵۴). تبدیل ایران به الگوی مردم‌سالاری دینی از جمله اهداف فرهنگی است که در برنامه‌های توسعه و سند چشم‌انداز دنبال می‌شود. برای دستیابی به اهداف چشم‌انداز، لازم است سیاست داخلی و خارجی دقیق و متناسب اتخاذ شوند است (باباخانی، ۱۴۰۰، ۴۷). تعیین و مشخص کردن مسائلی که در این راستا لازم است به عهده رهبری می‌باشد؛ به عبارتی سیاست‌های کلی که در سند چشم‌انداز گنجانده شده و دنبال می‌شوند، سیاست‌های رهبری است. سندی که چشم‌انداز و آینده نهادها، مؤسسه‌های فرهنگی و دستگاه‌های فرهنگی کشور را معین، مشخص و میزان سهم هر کدام را در راستای محقق شدن هدف‌های سند چشم‌انداز فرهنگی و سند چشم‌انداز ملی روشن و تبیین نموده است، سند چشم‌انداز بخش فرهنگ کشور ایران خواهد گردید (حیبی درگاه، ۱۳۸۸، ۹۸).

از آنجایی که سند چشم‌انداز فرهنگی و سند چشم‌انداز ملی با یکدیگر در ارتباط مستقیم بوده باید، توسط مراجع ذیصلاحی، همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین گردد. این سند به سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی کشور ابلاغ گردیده و تمامی نهادها و سازمان‌ها طی یک فرایند مشابه، سند چشم‌انداز خویش را تهیه کرده و به یک مرجع، مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی برای تأیید نمودن و بررسی انطباق داشتن آن با سند چشم‌انداز ملی ارائه می‌نمایند تا بعد از تأیید شدن یا اصلاح گردیدن به‌عنوان یک سند چشم‌انداز آن نهاد و سازمان یا دستگاه تصویب و ابلاغ شود.

۵- ارتقای حقوق فرهنگی و چالش‌های پیش روی آن

روند محقق گردیدن حقوق انسانی، مانند حقوق فرهنگی با توسعه و پیشرفت‌های مهم و قابل توجه همراه بوده که در اسناد بین‌المللی مختلفی نیز بیان شده و شرایط و فرصت‌هایی متنوع برای افراد بشر در عصر حاضر و نسل‌های آینده آماده گردیده است، اما محقق گردیدن حقوق فرهنگی غالباً با چالش‌هایی مهم مواجه شده است؛ مبحث‌های فرهنگ، ارزش‌های فرهنگی و حقوق فرهنگی بسیار دشوار و پیچیده بوده و اشخاص فعال در این زمینه، یک راه و مسیر ناهموار و سخت را پیش‌روی خود دارند. وجود تعارض‌ها و تزااحات گوناگون و متنوع که در زمینه و مقام تفسیر اصل‌های مختلف حقوق بشر بروز می‌نماید، سبب وجود عدم شفافیت مقوله حقوق فرهنگی گردیده و منازعه‌هایی را در پی داشته است (انگارد، ۱۳۹۴، ۷۰).

مشکل در جایی می‌باشد که بعضی از رویه‌ها در تمدن‌ها و فرهنگ‌های متعدد و مختلف، متضاد و مغایر با اصل‌های حقوق بین‌الملل محسوب گردیده و در عین حال، برخورد داشتن با این رویه‌ها با این استدلال که ناقض و متضاد با حقوق بشر هستند، نقض نمودن حقوق مردم به بهره‌مند شدن از حقوق خویش می‌باشد (جاوید، ۱۴۰۰، ۹۶). حقوق فرهنگی، یک حقوق فردی بوده که هر انسانی باید از آن برخوردار گردد، اما این حقوق در ارتباط با افراد دیگر محقق می‌گردد، به‌عنوان نمونه، این موضوع در خصوص اقلیت‌های نژادی، مذهبی و... صادق است، به صورتی که حقوق این اشخاص تنها هنگامی کاملاً تضمین شده و رعایت می‌گردد که موجودیت و هویت این گروه‌ها مورد حمایت واقع گردد (مولانا، ۱۳۸۵، ۶۳). در حوزه حقوق فرهنگی، از دیگر موضوعات مهم و چالش برانگیز، حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر، مانند افراد بومی در هر جامعه است؛ اشخاص بومی جهت بهره‌مند گردیدن از حقوق فرهنگی خویش، تضمین‌های مورد نیاز و لازم را در حقوق بین‌الملل مشاهده نمی‌نمایند (فرضی مولان، ۱۳۹۴، ۱۰۴).

در اسناد بین‌المللی، بسیاری از مباحث و موضوعات حقوق فرهنگی در خلال بیان نمودن حقوق

اقلیت‌ها و مردمان بومی و گروه‌های مشابه دیگر برجسته و مهم گردیده‌اند. دلیل و علت این رویکرد، توجه نمودن به این حقیقت و واقعیت می‌باشد که در هر جامعه، گروه اکثریت قادر هستند تا از فرهنگ مسلط خویش حمایت نمایند، اما گروه‌های آسیب‌پذیر در بعدها بین‌المللی، بیشتر در معرض از دست دادن هویت‌های فرهنگی و حق‌های مرتبط با آن می‌باشند (باباخانی، ۱۴۰۰، ۹۳). جهت ایجاد نمودن یک شرایط و وضعیت عادلانه برای محقق شدن حقوق فرهنگی برای تمامی افراد و اشخاص، اتخاذ نمودن تدبیرهای فرهنگی مخصوص و ویژه برای حمایت نمودن از اشخاص و گروه‌های آسیب‌پذیر در بعدها و جنبه‌های ملی و محلی و ملل ضعیف‌تر در بعدها بین‌المللی و منطقه‌ای یک امر مهم و مورد نیاز می‌باشد.

۶- تلاش‌های ایران در زمینه ارتقای حقوق فرهنگی

انقلاب اسلامی ایران در زمینه ارتقای حقوق فرهنگی نقش مؤثر و به سزایی داشته است به این نحو که حضور آحاد مردم در روند توسعه دانش و فناوری، تمیم استقلال فکری افراد جامعه و ایجاد خودباوری را می‌توان از نتایج پیروزی انقلاب اسلامی دانست (اسحاقی، ۱۳۸۷، ۴۳). با شروع جنگ تحمیلی، دانشجویان و دانش‌آموزان بسیاری راهی جبهه‌های جنگ شدند و فرهنگ خودباوری علمی جوانان، سبب به ثمر نشستن استعدادها و قدرت ابتکار و خلاقیت‌های فراوان نخبه‌های ایرانی گردید، نمونه بارز این موضوع، شهید طهرانی مقدم بود که توانست اولین موشک‌های ایران را بسازد. بدون تردید، انقلاب اسلامی، نشأت گرفته از فرهنگ عاشورا می‌باشد (خامنه‌ای، ۱۳۸۴، ۱۹).

همگرایی در بین ملت ایران، چه در دوران مبارزه با رژیم طاغوت و چه در دوران تثبیت نظام مقدس جمهوری اسلامی، ضرورتی انکارناپذیر بوده و نبایستی با سخت‌گیری‌ها و تنگ‌نظری‌ها، آن را کم‌رنگ یا محو نمود. تردیدی نیست که تداوم وحدت مردم جامعه در حفظ نمودن تمامی دستاوردهای انقلاب اسلامی است. حضرت امام خمینی (ره) از همگان دعوت کرده‌اند تا در راه آزادی ملت و تداوم وحدت تلاش نمایند و ایشان بهترین ثمره نهضت را وحدت دانسته‌اند (حبیب زاده و زینالی، ۱۳۸۴، ۱۱)؛ بر همین

اساس، فرهنگ گفتمانی توانست انقلاب اسلامی را در بین دیگر ادیان، به مرتبه‌ای از عزت برساند که کمتر کشوری در این کار موفق بوده است (اسمعیلی زاده، ۱۳۹۳، ۹۸).

وحدت فرهنگی را آنجایی می‌توان مشاهده نمود که بین مذاهب و ادیان مختلف اعم از آرامنه، کلیمیان، زرتشتیان و دیگر مذاهب مسالمت وجود دارد. در عرصه مبارزه با استکبار و حفظ آرمان‌های ملی و مذهبی در رویدادهای مختلف سیاسی و اجتماعی با نهایت همدلی می‌توان این تجلی وحدت بین ادیان مختلف را مشاهده نمود. انقلاب اسلامی ایران، از یک جهت نتیجه خودآگاهی و هویت یابی ملت مسلمان ایران بوده و از جهتی دیگر، سبب رشد و شکوفایی و تحکیم هویت ایرانی و اسلامی آن گردیده است. ملت مسلمان ایران در گذشته تاریخی خود، یک هویت غالب، تأثیرگذار و غنی داشت (توکلیان، ۱۳۹۳، ۲۵)، اما با روی کار آمدن پادشاهان نالایق و بی‌کفایت، این هویت ناب دستخوش تاراج قرار گرفته و به مرور، جراحتهایی بر تن رنجوران نشست (جعفری، ۱۳۹۶، ۸۰). نخستین انقلاب سیاسی و اسلامی در دنیا که مسلمین سراسر دنیا از نتایج و ثمره آن آگاه و مطلع شدند و باعث بازگشت غرور و اقتدار به مسلمانان شد، توسط انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت.

۷- دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر این که در ابعاد سیاسی تغییراتی را ایجاد نمود، در دیگر حوزه‌ها از جمله حوزه فرهنگ نیز دگرگونی‌هایی را اعمال نمود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، دستاوردهایی در حوزه فرهنگ برای مردم ایران توسط جمهوری اسلامی ایران در دو بعد داخلی و خارجی ایجاد شد. اولین اقدامی که در این زمینه صورت گرفت، پیشرفت در حوزه آموزش است (رهبرقاضی و همکاران، ۱۳۹۵، ۹۸). اقدامات دیگری نیز در این زمینه صورت گرفت که می‌توان آن‌ها را از جمله مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران محسوب نمود، می‌توان به موردهایی مانند افزایش یافتن میزان تنوع و حجم انتشارات در مباحث مختلف، توجه نمودن به فرهنگ‌های دینی کشور، محقق شدن شعارهای انقلاب اسلامی در بیرون از مرزهای ایران، احیاء کردن ارزش‌ها و سنت‌های

اسلامی، توسعه و افزایش شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج از کشور و... اشاره نمود (افروغ، ۱۳۹۳، ۸۰).

تأسیس جهاد دانشگاهی، یکی دیگر از اقدامات جمهوری اسلامی ایران در حوزه فرهنگ است. این نهاد و سایر نهادهای نشأت گرفته از انقلاب اسلامی، با معیارهای اسلامی تشکیل و در راستای رسیدن به اهدافی که برای آن تأسیس یافته‌اند منطبق بر موازین اسلامی عمل نموده و توانستند در زمینه فرهنگی دستاوردهای مهمی را کسب کنند. توجه به فرهنگ دینی مردم جامعه را نیز می‌توان از دیگر دستاوردهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بیان نمود. توجه نمودن به اوضاع و احوال جامعه، نه به صورت دقیق، اما به نحو تقریبی می‌توان گفت که فرهنگ مردم به سمت فرهنگ دینی متمایل شده و آثار این تمایل را می‌توان در زندگی مردم مشاهده نمود (حبیب نژاد و اسمعیلی زاده، ۱۳۹۵، ۱۲)؛ این تغییر به خصوص در جوانان نمایان‌تر است زیرا تمایل آن‌ها به برگزاری مراسمات مختلف مذهبی و حضور در هیات‌های عزاداری، اعتکاف، سفر به اماکن مقدس و... بیشتر شده است (صالحی امیری، ۱۳۹۶، ۳۳).

موضوع دیگری که در خصوص دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق فرهنگی می‌توان به آن اشاره نمود، توجه به مساجد و ظرفیت‌های آن می‌باشد. به برکت پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مساجد به علت ویژگی‌های مهمی که در آگاهی بخشی مردم دارند، جایگاه اصلی خود را یافته و نقش به‌سزایی در توسعه فرهنگ اسلامی داشته‌اند (گودرزی، ۱۳۹۳، ۱۱). علاوه بر اقداماتی که بیان شد، انقلاب اسلامی ایران، ارزش‌های فرهنگی جدیدی را همچون جهاد، شهادت و ایثار نیز مطرح نموده است. این ارزش‌ها از سمت حکومت و مردم به رسمیت شناخته شده و به‌عنوان اصولی اساسی پذیرفته شده‌اند (جاوید، ۱۳۸۶، ۳۳).

نظام جمهوری اسلامی تلاش نموده تا با ایجاد کردن و مهیا نمودن شرایط و فضایی مناسب جهت گرایش یافتن به ارزش‌ها و دینداری با ترویج نمودن و تبلیغ کردن معارف اسلامی از راه و روش‌های مختلف و با روش‌ها و شیوه‌های گوناگون از جمله رسانه ملی، آموزش و پرورش و آموزش عالی و در

کنار آن فعالیت‌های مسجدها، پایگاه‌ها، کانون‌های فرهنگی و... بستر و زمینه تقویت نمودن ارزش‌ها و باورهای دینی را در میان مردمان، مخصوصاً نسل جوان مهیا کند.

نتیجه

حقوق فرهنگی به معنای حقی است که مرتبط با ایجاد یک محیط برای دسترسی داشتن اشخاص به باورها و شناخت‌ها، پیروی نمودن از ارزش‌ها، انجام دادن رفتارها و کردارها براساس حقیقت می‌باشد. حقوق فرهنگی به عنوان یک مصداق از حقوق بشر، در حقوق داخلی کشورها از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و همچنین اسناد بین‌المللی مانند میثاق بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و... به صورت صریح و ضمنی مورد شناسایی و تأکید قرار گرفته است. فرهنگ‌ها همیشه ثابت و بدون تغییر نیستند و با توجه به انعطاف‌پذیری که دارند در هر سطحی قابل تضعیف یا ارتقاء هستند. بر این اساس دولت‌ها همواره کوشیده‌اند بر پایه هویت فرهنگی خود، قوانین و مقررات لازم را در راستای آن تهیه و تدوین نمایند و حقوق فرهنگی را در قالب قواعد حقوقی حفظ و یا ارتقاء دهند. با این حال ارتقای حقوق فرهنگی کار آسانی نبوده و همواره دارای چالش‌ها و موانع مختلفی از قبیل عدم شفافیت حقوق فرهنگی، بی‌توجهی نمودن به حقوق فرهنگی و... است.

اگرچه در این زمینه چالش‌هایی وجود دارد اما جمهوری اسلامی ایران همواره سعی بر ارتقای حقوق فرهنگی داشته است. کشور ایران بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی اقدامات و تلاش‌های خود را در این راستا توسعه داد و به موفقیت‌های زیادی هم در عرصه داخلی و هم بین‌الملل دست پیدا کرد. از دستاوردهای ارتقای حقوق فرهنگی در ایران می‌توان به توسعه حق بر آموزش، حق آزادی عقیده و بیان، وجود آزادی در زمینه دین و مذهب، توسعه دادن و افزایش یافتن شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج از مرزهای کشور، توجه نمودن به فرهنگ‌های دینی کشور، محقق شدن شعارهای انقلاب اسلامی در خارج از مرزهای ایران اسلامی، احیاء کردن ارزش‌ها و سنت‌های دینی و اسلامی، ترویج دادن فرهنگ ایثار و شهادت، ترویج دادن فرهنگ عفاف و حجاب

و... اشاره نمود. این دستاوردها حاکی از آن است که ارتقای حقوق فرهنگی سبب رشد و توسعه آن جامعه خواهد شد.

پیشنهاد

در پایان پیشنهاد می‌شود: در زمینه حقوق فرهنگی، قوانینی تخصصی و جامع تهیه و تدوین گردد تا با ناقضین این حقوق برخورد شود. فرهنگ استفاده صحیح از فناوری‌های پیشرفته دیجیتالی و چگونگی تعامل با آن‌ها نه‌اینه شود. از ظرفیت‌های گردشگری برای آشنایی هرچه بیشتر گردشگران خارجی با فرهنگ ایرانی اسلامی نهایت استفاده صورت گیرد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- آبرکرامبی، نیکولاس، ۱۳۹۵، **فرهنگ جامعه‌شناسی**، ترجمه حسن پویان، چاپ سوم، تهران، انتشارات چاپخش.
- آرون، ریمون، ۱۳۹۰، **مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی**، ترجمه باقر پرهام، چاپ اول، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- آل عبود، علاءمحمد محسن، ۱۴۰۰، تأثیر و نقش حقوق بشر فرهنگی در قانون اساسی عراق و ایران، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- اسحاقی، سیدحسین، ۱۳۸۷، **ارمغان انقلاب**، چاپ اول، تهران، مرکز پژوهش‌های صداوسیما.
- اسمعیلی زاده، عالیه، ۱۳۹۳، حقوق فرهنگی اقلیت‌های قومی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران و

- اسناد بین‌المللی حقوق بشر، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه تهران.
- افروغ، عماد، ۱۳۹۳، **هویت ایرانی و حقوق فرهنگی**، چاپ اول، تهران، انتشارات مهر.
- انگارده، طیبه، ۱۳۹۴، بررسی مؤلفه‌های حقوق فرهنگی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشکده اصول الدین.
- باباخانی، لیل، ۱۴۰۰، **فعالیت‌های فرهنگی**، چاپ اول، تهران، انتشارات فکر برتر.
- باقرپور، پیمان، ۱۳۹۳، بررسی سیاست‌گذاری رسانه‌ای و توسعه فرهنگی با رویکرد اسلامی، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه یزد.
- بذرافشان، عبدالله، ۱۴۰۰، جایگاه عرف حاکم در تدوین حقوق فرهنگی، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، مؤسسه آموزش عالی فروردین.
- بهرامی، محمد، ۱۳۸۷، نسبت دین و فرهنگ از نگاه قرآن، **فصلنامه پژوهش‌های قرآنی**، شماره ۵۴.
- پالمرو، مونتی، ۱۳۹۰، **نگرش جدید بر علم سیاست**، ترجمه منوچهر شجاعی، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- پهلوان، چنگیز، ۱۳۹۰، **فرهنگ‌شناسی گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن**، چاپ دوم، تهران، انتشارات قطره.
- توسلی، غلامعباس، ۱۳۷۳، جامعیت مفهوم توسعه و رابطه آن با فرهنگ، **مجله فرهنگ توسعه**، شماره ۱۵.
- توسلی، غلامعباس، ۱۳۹۹، **جامعه‌شناسی دینی**، چاپ اول، تهران، انتشارات سخن.
- توکلیان، افسانه، ۱۳۹۳، چالش‌های حقوقی نظام حقوق داخلی ایران در رابطه با حفاظت از اموال و آثار تاریخی و فرهنگی از منظر حقوق بین‌الملل، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- جاوید، محمدجواد، ۱۳۸۶، حقوق بشر در عصر پسا مدرن انتقاد از شاهکارهای فلسفی در فهم حقوق ذهنی، **فصلنامه پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۱۳۹.
- جاوید، محمدجواد، ۱۴۰۰، از تنوع فرهنگی تا مهندسی فرهنگی چالشی بین حقوق بشر و حقوق شهروندی، **فصلنامه حقوق عمومی**، شماره ۶۵.
- جعفری، محمدتقی، ۱۳۹۶، **فرهنگ پیر فرهنگ پیشرو**، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- حبیبی درگاه، بهنام، ۱۳۸۸، **حقوق فولکور**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

- حبیب نژاد، سیداحمد و اسمعیلی زاده، عالیه، ۱۳۹۵، **حقوق فرهنگی اقلیت‌های قومی**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- حبیب زاده، توکل، ۱۳۸۳، جمهوری اسلامی ایران و حق شرط بر معاهدات بین‌المللی، **فصلنامه دین و ارتباطات**، شماره ۲۴.
- حبیب زاده، محمدجعفر و زینالی، امیرحمزه، ۱۳۸۴، درآمدی بر برخی محدودیت‌های عملی جرم انگاری (ضرورت ارزیابی منافع و مضار ایجاد یک جرم)، **فصلنامه نامه مفید**، شماره ۴۹.
- حسن حسن، انسام ماجد، ۱۴۰۱، حمایت از حقوق فرهنگی اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل و داخلی، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه ادیان و مذاهب.
- خاتمی، سیدمحمد، ۱۳۸۴، سند چشم‌انداز پیام‌ها و اهداف، **فصلنامه حکومت اسلامی**، شماره ۳۸.
- خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۸۴، سند چشم‌انداز بیست ساله از نگاه مقام معظم رهبری، **فصلنامه حکومت اسلامی**، شماره ۳۸.
- خندان، علی اصغر، ۱۳۸۹، وظایف اصلی دولت دینی در عرصه فرهنگ، **همایش گفتمان عدالت و پیشرفت**.
- رازی، عبدالله، ۱۳۹۶، **تاریخ کامل ایران**، چاپ دهم، تهران، انتشارات یوتاب.
- رازنهان، فیروز، ۱۳۸۶، مهندسی فرهنگی کشور پیش شرط تحقق سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه هنر و مهندسی فرهنگی**، شماره ۸ و ۹.
- رازنهان، فیروز، ۱۳۸۸، فرهنگ در آینه سند چشم‌انداز، **ماهنامه سوره**، شماره ۴۳.
- رهبرقاضی، محمودرضا؛ امام جمعه زاده، سیدجواد؛ نوربخش، سوسن، ۱۳۹۵، بررسی رابطه دینداری با دو نوع فرهنگ سیاسی مشارکتی و دموکراتیک، **فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج**، شماره ۷۱.
- سعادت، عوضعلی، ۱۳۸۹، **نقش اسلام در توسعه فرهنگی**، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.
- شرف‌الدین، سیدحسین، ۱۴۰۰، رویکردی الهیاتی به نسبت دین و فرهنگ، **فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی**، شماره ۳۵.
- صالحی امیری، سیدرضا، ۱۳۹۶، **مبانی سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی**، چاپ چهارم، تهران، انتشارات پژوهشگاه تحقیقات راهبردی.

- صداقت نیا، میثم، ۱۳۹۳، نسبت مفهومی فرهنگ و دین بر مبنای حکمت متعالیه، **فصلنامه دین و سیاست فرهنگی**، شماره ۳.
- صفاری نیا، محیا، ۱۳۹۵، حقوق فرهنگی در نظام بین‌المللی حقوق بشر حرکت کم شتاب در بستر پرتلاطم، **فصلنامه پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۴۵.
- صلاتی، الهه، ۱۳۹۴، حقوق فرهنگی خانواده در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه امام صادق (ع).
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۹۷، **حقوق بین‌الملل عمومی**، چاپ پنجاه و یکم، تهران، انتشارات گنج دانش.
- طاهری حاجی وند، احسان و جمالی، حمیدرضا، ۱۳۹۵، بررسی منشاء انسان شناختی حقوق فرهنگی بشر، **فصلنامه مطالعات میان فرهنگی**، شماره ۲۵.
- طبرلو، رضا، ۱۳۹۳، **حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بشر**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- عبدالهی، جوانمیر، ۱۳۹۳، **حقوق بشر و دموکراسی در جوامع چند فرهنگی**، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
- علی کرمی، لیدا و ولایی، سپیده، ۱۳۹۹، **اظهارنظ‌های عمومی کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- غمی کله لو، کیوان، ۱۳۹۵، **میراث فرهنگی در نظام قانونگذاری کشورهای باستانی**، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- فضائلی، مصطفی و کرمی، موسی، ۱۳۹۴، **حمایت از حقوق فرهنگی اقلیت‌های قومی در حقوق بین‌الملل**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- فضائلی، مصطفی و کرمی، موسی، ۱۳۹۶، حمایت از فرهنگ و حقوق فرهنگی اقلیت‌ها در پرتو تفسیر عام شماره بیست و یک کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، شماره ۱۹.
- فضائلی، مصطفی و کرمی، موسی، ۱۳۹۹، تحلیلی بر سیر تحول مفهوم فرهنگ در نظام بین‌المللی حقوق بشر و تأثیر آن بر ارتقای حقوق فرهنگی، **فصلنامه پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۴۲.
- فرضی مولان، فرمان، ۱۳۹۴، **درآمدی بر حقوق تنوع فرهنگی**، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.
- فیاض، ابراهیم، ۱۳۹۰، تأثیر چگونگی تعریف فرهنگ بر برنامه‌ریزی و سیاستگذاری فرهنگ، **فصلنامه**

فرهنگ عمومی، شماره ۳.

- قربانی، قدرت الله، ۱۳۹۸، نقش فرهنگ در دینداری و شبکه معرفت دینی، فصلنامه نقد و نظر، شماره ۹۵.
- گودرزی، محسن، ۱۳۹۳، گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران، فصلنامه حقوق تطبیقی، شماره ۵۴.

- محمدخان، مینا، ۱۳۸۳، فرهنگ توسعه یا توسعه فرهنگی، مجله گزارش خرداد، شماره ۱۵۳.

- مولانا، حمید، ۱۳۸۵، دین و مذهب اسلام و به‌ویژه شیعه نقطه اول مهندسی فرهنگ، فصلنامه مهندسی فرهنگی، شماره ۶ و ۷.

- نظرزاده، مرضیه، ۱۳۹۱، حقوق معنوی آثار فرهنگی از دیدگاه فقه امامیه و حقوق موضوعه ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

- نقیب زاده، احمدرضا، ۱۳۹۳، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی اسلامی ایران، چاپ ششم، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

- نوروزی، پیمان و عبودی، ابراهیم، ۱۳۹۵، حقوق کیفری میراث فرهنگی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.

- نوریان، مهدی، ۱۳۹۵، ابعاد فقهی توسعه فرهنگی، رساله دکتری، دانشگاه تهران.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.19- Spring 2024

Jurisprudential Legal Analysis of Rent Based on Time Unit

Homayoun Mafi, Reza Ahmadi Lemraski

A Comparative Study of the Legislative Criminal Policy of Iran and England Regarding Offences Related to Emotional Abuse

Behrooz Javanmard, Sahar Fatemi

Position of Women in Afghanistan from the Perspective of International Human Rights

Mohsen Molaei Fard, Hadi Masoudifar

Analyzing the basic Conditions of Contract Formation in the Conclusion of Electronic Contracts; Responsibilities and Penalties

Zahra Ansarifar, Maryam Kamaei

Recovery of Costs and Security for Costs in Third Party Funding in International Arbitration

Mohammad Mahdi Asadi

Feasibility of Criminal and Legal Prosecution of Government Officials in Violation of Citizens' Right to Health

Mohammad Saeid Hosseini, Mohammad Javad Javid

Assistant in Crime in American and Iranian Law; a Study with an Emphasis on Criminal Instrumentalism

Rohollah Ahangaran

Place of Reason in Deriving Jurisprudence

Ali Karimi, Hasan Sadeghian Meshkani, Sayyed Mohammad Hosein Jazayeri

Analyzing the Rights of Prisoners with an Approach to Domestic and International Institutions

Sayyedeh Mahshid Miri Balajorshari, Amirreza Mahmoudi

The Effect of the Twenty-Year Contract on Bilateral Relations between Iran and Russia in the 13th Government

Sayyed Amin Hosseini, Ahmad Shohani, Iraj Morvati

Promotion of Cultural Rights in the Light of Islamic Religion and Iran's Legal System

Alireza Ansari Mahyari, Zahra Sadat Hosseini

Crimes of Registration of Documents and Real Estate in Iranian Criminal Law

Amir Esmaceli, Navid Motamedarya, Fatemeh Nazarpur

The Criteria for Distinguishing Torture from other Inhuman Treatment

Mahan Ghorbani Pasvisheh

Exceptions to the Principle of Inadmissibility of Objections against the Holder in Good Faith

Sara Farzadimehr, Shapoor Mohammadhosseini, Mohammadreza Haghighi

The Battered Woman Syndrome and Self-defense: A Legal and Empirical Dissent

Maryam Farahi

The Effects of the Guarantee of Good Performance of Obligations in Iranian Law

Aslan alizadeh